



LIDA Stories

lidastories.net

کار پیدا کرڼی / Finding a job

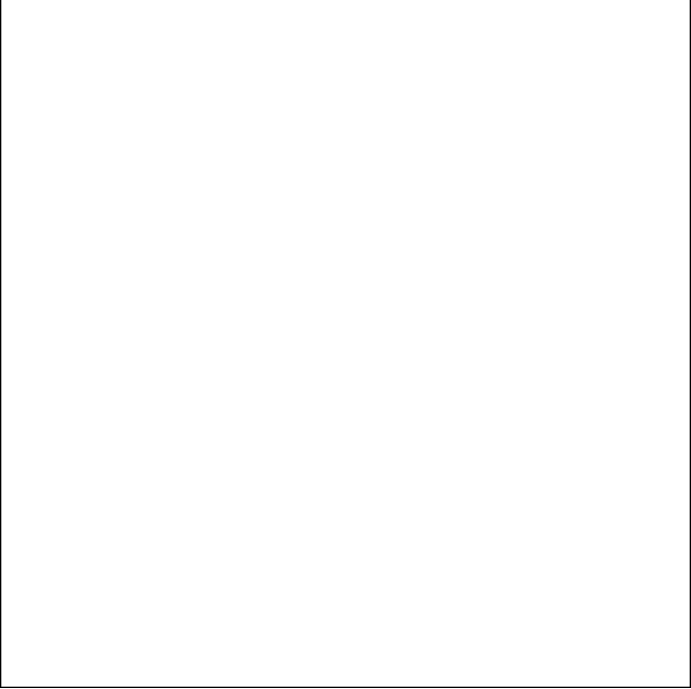
✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Sunniva Høyby-Øiset
📄 Sam Saf (fa)



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کار پیدا کرڼی

Finding a job



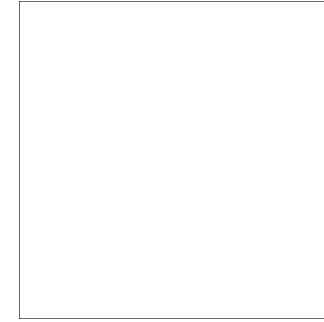
✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Sunniva Høyby-Øiset
📄 Sam Saf
📄 4
🗨️ فارسی / English / en



آلیشا باید کار پیدا کند، چون خانواده اش برای غذا و لباس به پول
احتیاج دارند.

...

Alisha needs to find a job because her family
needs money for food and clothes.



اون به خودش افتخر میکنه، چون حالا یک شغل داره و میتونه
پول خودش برای خانواده اش غذا و لباس بخره.

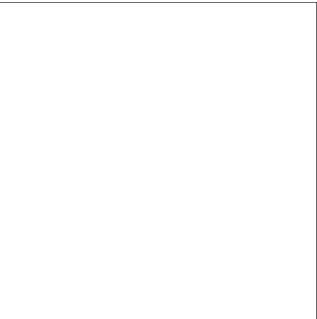
...

She is proud that she has got a job so that she
can buy food and clothes for her family with her
own money.

Next time Alisha goes for a job interview at a restaurant, she is offered the job. It is hard work. She often has to work in the evening, when her children are home from school.

...

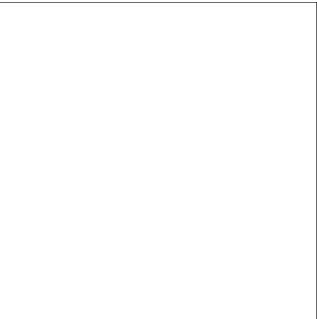
دفعه بعدی که آلیشا برای یک مصاحبه شغلی به یک رستوران میره، بهش یک کار پیشنهاد میشه. کار سختیه. اون ظن داره اغلب، عصرها یعنی وقتی بچه هاش از مدرسه برمیگردن خونه، سر کار میشه. وقتی



Alisha did not work in her home country, but she is good at cooking and likes talking to people.

...

آلیشا در کشور خودش کار نمی کرد، اما آشپزی اون خوبه و از حرف زدن با مردم خوشش میاد.

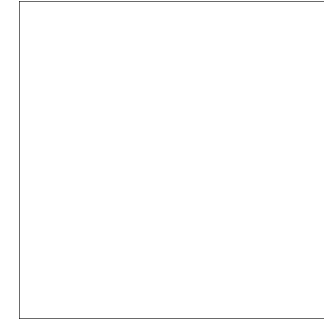




تو یه رستوران گر کنه؟ آلیشا تو اینترنت دنبال آگهی هی
شغلی میگرده.

...

Maybe she could work in a restaurant? Alisha
searches on the Internet for job postings.



اون جزئیات دوره اش رو به CV اش اضافه میکنه. CV یش رزومه،
شرح جزئیات تهم شغلای قبلی و همینطور همه کلاس و دوره هی
آموزشی گذرانده شده است.

...

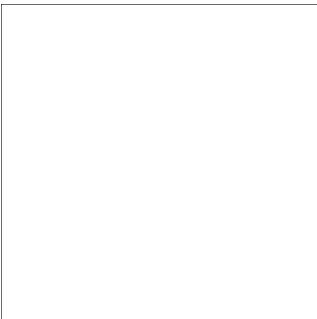
She adds the details of the course to her CV. A
CV is a description of all the work she has done
and all the courses she has taken.

Alisha has to work in a restaurant as part of her training course. She does not get paid, but she gets work experience.

...

محبوب همیشه.

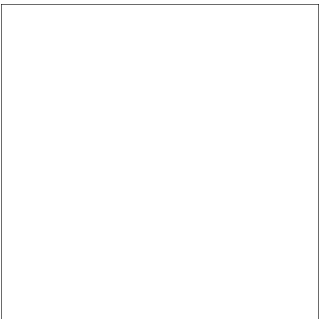
آلیشا مجبوره که به عنوان بخشی از دوره آموزشش در یک رستوران کار کند. او هیچ بهش حقوق نمیدن، اما این یک تجربه کاری

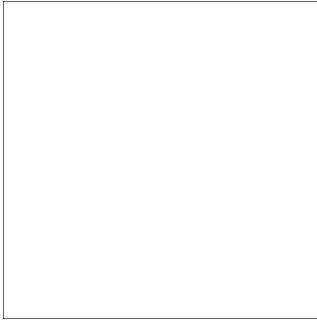


She finds an advert for a chef. That is someone who cooks in a restaurant.

...

آگهی پیدا می‌کنم که برای استخدا م سر آشپزه. توی آگهی اون به کسی که نوشته که خوا می توی رستوران غذا بپزه.

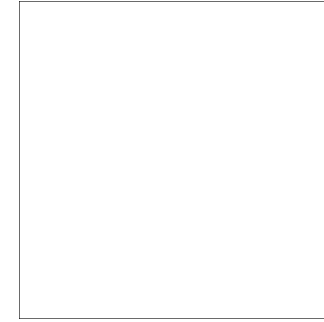




اون میره واسه مصاحبه شغلی. مدیر رستوران بهش می‌گه که اون
کسی رو می‌خوان که بعنوان سرآشپز، آموزش دیده‌بشه.

...

She goes for the job interview. The restaurant manager tells her they need someone who has trained as a chef.



آلینا امید می‌شه، اه اون در یک دوره آموزشی بهم «غذا و
مهنداری» ثبت‌م می‌کنه. اون امیدواره که این دوره بتونه بهش
کمک کنه در یک رستوران گر پیدا کنه.

...

Alisha is disappointed, but she takes a course called "Food and hospitality". She hopes this will help her to get a job in a restaurant.